

تهیه شده در خرداد

"از چه زمانی چهارراه ولیعصر این اندازه شلوغ و پررفت "

(سطر آغازین متن اشاره دارد به نشست پرمخاطبی که بلافاصله پس از افتتاح زیرگذر در زمستان با تمرکز بر موضوع چهارراه ولیعصر در فروردین برگزار شد. پرسش کلیدی که دستمایه این مطالعه قرار گرفته، طی نشست از نماینده شهرداری انجام شد که چند سالی بیشتر از سکونت ایشان در تهران نمی گذشت.)

رضایت از برگزاری یک نشست تخصصی که دانش در جایگاه یک شهروند به جنب
دیگری روی شهر کرد. ثمره همکاری پژوهشگر فرهنگ و هنر و معماری با مجمع حق بر شهر باهمستان
فروردین سال جاری منصفانه باید قابل تحسین بیشتر از این رو که مشق تازه‌ای شد و مرا برانگیخت درباره پیداکان
مهمترین چهارراه مرکزی شهر شروع به جستار کند .

در نشست، پرسشی کلیدی بی رها شد. شاید خوب نشانه گرفته نشد؛ شاید مجال پرداختن به آن مثل همیشه کافی نبود.
درباره شهر همیشه پرسش‌هایی هست که برای پاسخ‌گویی به آن‌ها لازم است به‌قول بسیاری از کارشناسان، آن‌ها را زندگی کرده
باشی؛ برایت مثل خاط .

"از چه زمانی چهارراه این اندازه شلوغ و پررفت "

در جایگاه یک تهرانی که تا همین دیروز جزو ساکنان مرکز شهر رقم می و آمدم حول این نقطه همیشه مهرماه
سال هفتاد پی پی تکرار شد و این تکرار از تاریخ فراغت از تحصیل رو به کاستی رفت. آن زمان، از تأسیس دانشگاه آزاد
اسلامی و استقرار واحدهای مرکزی چندان نگذشته بود: درست در همین تقاطع و کمی آن‌سوتر نیش خیابان فلسطین، ابتدای کوچه
سکو و به‌مرور کوچه دبیرستان میدان انقلاب ... هر سال دانشجویان بیشتری در رشته‌های موجود و دانشجویانی در
های علمی و هنری تازه‌تأسیس کم کم
پذیرفته . سرریز جمعیت در ساعات آزاد، در جستجوی فضایی دنج و ، ناگزیر وارد چهارراه می‌شد. به‌سرعت یک
رستوران زنجیره‌ای - به‌جرات می‌توان گفت امروزه شعبه ترین در سطح کشور اما نه اعلا در فضایی کاملاً جادار، در چند قدمی
جنوب چهارراه شعبه‌ای احداث کرد (که هم‌اکنون با حفظ کاربری اما با تغییر مالکیت برجاست). ها کافه دلنشینی که امروز در
همه جهات چهارراه می‌توان جست، خبری نبود. تا پیش از آن دو دانشگاه عظیم پایتخت، تهران و امیرکبیر در دو سوی مخالف شاید
بیشترین عابران جوان تاریخی شهر، البرز و انوشیروان، بیشترین عابران نوجوان این تقاطع را شامل می .

حوالی سال هفتاد و پنج یا شش، به‌طور جدی گذران امور بدون کامپیوتر میسر بود. پاساژ معروف بالای چهارراه به لطف
مراکز آموزشی و اداری پیرا به
برای تردد خودرو محدود ساخت و کم و بیش به این مکان به ان یکی از مراکز مهم خرید لوازم کامپیوتری اهمیت بخشید. در

همسایگی آن، مؤسسه آموزش زبان انگلیسی سالها قدمت داشت. نقل مکان این مرکز در حال حاضر، جمعیت زبان‌آموز را تهنه قدمی از چهارراه دور رانده است و جای خود را به گاج و قلمچی سپرده ...

شهر با بُرد فرمانطقه‌ای و شاید ملی، آن روزها گهگاه و به‌زحمت نمایشی بر صحنه داشت که جاذب جمعیت باشد و سر و صدایی راه بیندازد. از برکت خیل فارغ‌التحصیلان هنرهای نمایشی دانشگاه آزاد و دیگر مؤسسات سال به سال، دستاوردهای تئاتری گسترش یافت. چه سالهای اخیر سعادت یار شده است و تقریباً تمامی سال های این مجموعه از نفس بازیگر و تماشاچی . " " ، در روزهای تابستان، سایه ی است که این مکان را مناسبترین می- ، شاید مناسبتر از محوطه باز و کاملاً عمومی دورتادور تئاترشهر ...

ساعت یازده صبح است و یکی از روزهای میانی هفته. ضمن خروج از مترو توجه‌ام به افرادی جلب می‌شود که از مأمور نشسته‌های مدام سراغ خروجی دلخواهشان را می‌گیرند. علائم ناکافی است، نارساست یا نامألوف ... هرچه هست در لحظه به ذهن م می کارآفرینان موفقی در این ماجرا دست داشته ! کندوکاو چند عکس از عابران حاج حیرت شروع می‌کنم. تا شب می بی‌وقفه از پیر و جوان، با کوله‌پشتی و چمدان، مرد ، با حجاب ناقص و کامل ... عکس برداشت که به قول امروزی‌ها "زیرگذر را دور می " ناگزیر یا به ها به‌سختی می . بانوی اول نشسته بر دهانه مترو در کنج جنوب‌شرقی چهارراه، در انتظار همراهش برای عزیمت به سوی امامزاده صالح تجریش است. زوجی اهل شهرستان، جهت درست را برای رسیدن به خیابان جمهوری می‌جویند. دو خواهر میانسال اهل قزوین به نیت خرید البسه راه جنوب را می‌گیرند. دو یار دانشجو در پی نشانی پانسیون حوالی خیابان فلسطین برای یکی از دو رفیق . گروهی دختران جوان که وردن ساندریج‌های پروپیمون ه از آزمون مصاحبه اداره بیمه بازمی‌گردند. مرد اهوازی در بازگشت از یک کار اداری، مبدأ کرایه‌های شهرک می ...

جبهه غربی خیابان به سمت جنوب، از گذشته به‌خاطر خرید و پرسه‌زنی پررونق بوده است. گشایش مختصری که به واسطه ایجاد دهانه ورودی زیرگذر در این کنج حاصل شده، برای دستفروش‌ها موهبت است. کافه گرامافون، کافه تمدن، کافه قهوه قجری ... تنها چند قدم فاصله از همدیگر، پاتوق‌هایی با چیدمان و آمیانس نوستالژیک، به‌ویژه عصرها و غروب‌ها لبریز از جوان‌هایی هستند از یک قشر معین. چایخانه‌های سنتی قدم به قدم همگی تازمتأسیس .

در کنج شما غربی، عابران قدم‌های تندتری برمی‌دارند. ایستگاه مترو و اتوبوس سریع (بی آر تی) درست مقابل پاساژ لوازم کامپیوتری است، اما با "دانشگاه علمی - کاربردی" در تقاطع خیابان طالقانی و نیز اداره پرمرجع "بیمه" اندکی فاصله دارد. پوشی که خود را استاد یکی از دانشکده‌های شهرسازی شهر معرفی می‌کند و صاحب "گرین کارت" (!) انتظار اخوی است که ساکن همان اطراف است. نسبتاً لف همانداز، طوری‌که نتوانستم بفهمم اول و آخر، زیرگذر به ست یا نابه. ! دو یار نوجوان که به نظر می د در این ساعات باید کلاس درس مدرسه در انتظارشان باشد، قدم‌زنان مسیر پارک ساعی تا خانه در "سلسبیل" گز می‌کنند. معتقدند حال و هوای چهارراه خوب است؛ پس، از این نقطه گذر کنیم. آنچه بی‌تردید، بهانه موجه بسیاری دیگر از عابران این چهارراه است برای رفتن به دانشگاه تهران، به کتاب‌فروشی‌های مقابل آن، رسیدن به حوزه هنری تهران (واقع در خیابان حافظ) ...

فضای کنج شمال‌شرقی به‌ظاهر جدی‌تر است و کاملاً متفاوت. اکثریت جوانان و نوجوانان عابر ها و دبیرستان‌های معروف همان حول و حوش به‌سمت ایستگاه متر راهی‌اند. مرکز تربیت معلم شهید شرافت در همسایگی البرز بزرگ مرکز

آموزشی دیگری است در این سوی چهارراه که با وجود سابقه چندین ساله برایم ناآشناست. پوشش یکسان بچه‌ها، حکایت از وجود دبستان پسرانه - و حتماً دخترانه‌ای هم - در کوچه پس کوچه‌های آن حوالی دارد. کافه، سوخاری، و چایخانه چشمگیر است.

آنچه در شب نشست گرم پژوهشکده درباره پروژه زیرگذر چهارراه ولی موجب شادی و شعف بود، جمعیت علاقه‌مند به این فضای عمومی ناب گذشته بود که در سالن "چهارصدنفره" این مرکز نوینید هم باز در چندقدمی چهارراه گرد هم آمده بود دستکم تراز پایین سالن را پر کرده بود. عمارت باشکوه پژوهشکده، یک اثر ملی است که پیش از مرمت، گهگاه دست‌مایه طراحی-های دانشگاهی‌مان بود و امروز در بخش آموزشگاهی خود، "آن‌جا نیز" هنرجویانی می‌پذیرد.

گویا کم بیش می‌شود به پاسخ پرسش نزدیک شد. صدور مجوزهای پی پی در دو دهه اخیر، برای تأسیس و احداث انواع کاربری-های آموزشی به فواصل ناچیز از چهارراه در فضاها و بناهای نامناسب چه از شواهد پیداست، تغییر یک یک دهانه‌های تجاری برای مثال کتا فروشی‌ها، نوشت فروشی‌ها، ادوات دوربین فروشی‌ها، پارچه کت شلوار فروشی‌ها و بوتیک-های خاص که زمانی بار هویت این بخش از شهر را به دوش داشتند، به کافه و اغذیه موجب جابه‌جایی شهروندان در این حوالی می . همچنین استقرار اداراتی که بالاترین آمار ها همیشه زیانزد بوده است نظیر بیمه‌های درمانی در کنار آموزشگاه‌ها، به‌کمک هم قادرند با مراکز خرید پرجاذبه رقابت کنند. ادامه این روند با همین سیر صعودی از این به بعد بدون شک می‌تواند حتی کاربران زیرگذر را هم گرفتار مشکلاتی کند؛ چه هم‌اکنون نیز دقایقی رخ می‌دهد که جمعیت در حال خروج از زیرگذر، ناچار به مکث طولانی برای استفاده از پله‌های برقی‌اند. به‌قول معروف اظهر من الشمس است در صورت رخدادی پرخطر، جمعیت پرشماری که شاید دست‌اندرکاران این قبیل پروژه‌های شهری کمتر با جدیت به آن می‌اندیشند آسیب

قابل پی بینی است به‌دلیل دشواری دسترسی به نقاط مختلف چهارراه از طریق زیرگذر و زمان طی این مسیر نه فقط برای شهروندان کم‌توان حتی برای دیگران، چرخه استفاده کاربران از فضاها و خدمات شهری به‌تدریج دگرگونی‌هایی می‌یابد که تغییر هویت این تقاطع مهم پایتخت را به‌دنبال خواهد داشت. از این دست پروژه‌ها پیش از این نیز محک خورده .

شاید مطالعه موقعیت نهادهای آموزشی کم‌سابقه با ویژگی‌های ضعیف فضایی که ذکر شد بررسی امکان تمرکززدایی برخی از ها و البته مکان‌یابی مناسب‌تری برایشان باز هم نزدیک به ایستگاه‌های مترو و اتوبوس، به‌عنوان طرحی نو کمکی باشد به حل نابسامانی زائیده سال‌های اخیر و به‌ویژه از افتتاح زیرگذر به این‌سو؛ چه بسا مکان‌یابی‌های سنجیده برای این مراکز موجب رونق و پویایی و جریان بهتر زندگی در نقاط دیگر شهرمان شود.

مآندانا یزدان - معمار، شهرساز، تهران

yazdanshenas72@gmail.com